

نتایج آزادسازی اقتصادی

(بررسی تطبیقی کشورهای مکزیک، تونس، غنا، ترکیه و ایران)

بخش دوم

شکوه‌سادات سیدعلی اکبر

اشاره

در بخش نخست این مقاله، به بررسی ساختار تقاضا در کشورهای منتخب پرداختیم و اینک به ادامه بحث درباره نتایج آزادسازی اقتصادی در کشورهای مورد نظر و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

بانک و اقتصاد

تغییر بخش‌های مختلف اقتصادی - اعم از صنعتی، کشاورزی، خدماتی و کارخانه‌ای

معمولاً تولید ناخالص داخلی کشورها را به بخش‌های مختلف از جمله صنعتی، کشاورزی، خدماتی و تولید کالاها کارخانه‌ای تقسیم می‌کنند که متوسط رشد سالانه این بخش‌ها طی دو دوره ۹۰-۱۹۸۰ و ۹۹-۱۹۹۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی:

در این بخش، نرخ رشد تولید جهانی در نظر گرفته شده و به عنوان معیاری برای مقایسه تولید ناخالص داخلی کشورهای ایران، مکزیک، ترکیه، غنا و تونس در قبل و بعد از آزادسازی تجاری بکار می‌رود. تولید ناخالص داخلی در ایران به طور متوسط رشدی معادل ۱/۷ درصد، در مکزیک ۰/۷ درصد و در کشور غنا ۳ درصد در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ داشته که از سطح رشد تولید ناخالص داخلی جهانی پایین‌تر بوده است، اما بعد از اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی در دهه ۱۹۸۰، رشد تولید ناخالص داخلی در ایران به ۳/۶ درصد، در مکزیک به ۲/۷ درصد و در غنا به ۴/۳ درصد افزایش یافته که از سطح رشد تولید جهانی بالاتر بوده است (۲/۵ درصد در دهه ۹۹-۱۹۹۰) (جدول شماره دو).

در کشور ترکیه و تونس نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از سطح نرخ رشد تولید جهانی بسیار بالاتر بوده، اما کشور ترکیه نرخ رشد تولید داخلی‌اش در دهه ۱۹۹۰ نسبت به دهه ۱۹۸۰ کاهش یافته و از رقم ۵/۴ درصد به رقم ۳/۸ درصد در دهه ۹۰ رسیده است.

بدین ترتیب، اجرای سیاست‌های تعدیل

اقتصادی در کشورهای مورد نظر رشد اقتصادی را افزایش داده است.

۲- بخش کشاورزی: متوسط رشد بخش کشاورزی طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در ایران به ترتیب ۴/۵ و ۴/۲ درصد بوده که نسبت به سایر کشورها، بالاترین سطح رشد را دارا بوده است. متوسط رشد بخش کشاورزی در کشور ترکیه در دهه ۱۹۸۰ معادل ۱/۳ درصد و در دهه ۱۹۹۰ معادل ۱/۴ درصد بوده است که تغییر چندانی چشمگیری مشاهده نمی‌شود. در این کشور رشد بخش کشاورزی از ۰/۸ درصد در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۰، به ۱/۶ درصد، یعنی دو برابر رشد در دهه ۱۹۹۰ می‌رسد. رشد بخش کشاورزی در کشور غنا نیز طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بسیار چشمگیر بوده، به طوری که از ۱ درصد، به ۳/۴ درصد در دهه ۱۹۹۰ رسیده است.

در کشور تونس رشد بخش کشاورزی طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به نفع رشد بخش‌های دیگر اقتصادی کاهش یافته است، یعنی از ۲/۸ درصد در دهه ۱۹۸۰، به ۲/۱ درصد در دهه ۱۹۹۰ رسیده است (جدول شماره دو).

در واقع، اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در کشورهای مورد نظر - به استثنای کشور تونس - موجب رشد بخش کشاورزی شده است.

۳- بخش صنعت: متوسط رشد سالانه بخش صنعت در دهه ۱۹۸۰ در کشور ایران ۳/۳ درصد بوده و اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی موجب کاهش نرخ رشد (۲/۸ درصد) در دهه ۱۹۹۰ شده است. در کشور ترکیه نیز نرخ رشد بخش صنعت از ۷/۸ درصد در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰، به ۴/۳ درصد در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ رسیده است. در کشور غنا نیز نرخ رشد سالانه بخش صنعت از دهه ۱۹۸۰ به دهه ۱۹۹۰ روند کاهشی داشته و از ۳/۳ درصد، به ۲/۴ درصد رسیده است، اما در دو کشور مکزیک و تونس، نرخ رشد بخش صنعت طی دو دهه افزایش یافته و از ۱/۱ درصد، به ۳/۵ درصد در کشور مکزیک و از ۱/۱ درصد، به ۴/۵ درصد در کشور تونس رسیده است.

به طور کلی، رشد بخش صنعت طی دهه ۱۹۹۰ در همه کشورهای مورد نظر از سطح نرخ رشد جهانی بالاتر بوده است (نرخ رشد صنعت در دهه ۱۹۹۰ در

جهان ۲/۳ درصد بوده است) (جدول شماره دو).

۴- بخش تولید کالاها کارخانه‌ای:

بالاترین سطح رشد تولیدات بخش کارخانه‌ای متعلق به کشور ترکیه است که در دهه ۱۹۸۰ معادل ۷/۹ درصد بوده و در دهه ۱۹۹۰، به ۵/۱ درصد رسیده است. بعد از آن، کشور ایران قرار دارد که از رشد معادل ۴/۵ درصد در دهه ۱۹۸۰، به رشد ۴/۸ درصد در دهه ۱۹۹۰ رسیده است. در دو کشور مکزیک و تونس نیز بخش کارخانه‌ای دارای رشد مثبت و در طی دو دهه روند افزایشی داشته، به طوری که در مکزیک نرخ رشد از ۱/۵ درصد، به ۴ درصد افزایش یافته و در تونس از ۳/۷ درصد، به ۵/۴ درصد رسیده است. در مورد کشور غنا رشد تولیدات کارخانه‌ای طی دو دهه فوق از مثبت به سمت منفی گرایش داشته، به طوری که از ۳/۹ درصد رشد مثبت در دهه ۱۹۸۰، به ۴/۵ درصد رشد منفی در دهه ۱۹۹۰ رسیده است (جدول شماره دو).

بدین ترتیب، اجرای سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در کشورهای منتخب - به استثنای کشور غنا - موجب رشد تولیدات کارخانه‌ای شده است.

۵- بخش خدمات: آزادسازی اقتصادی، بخش

خدمات کشورهای مورد نظر را شدیداً تحت تأثیر قرار داده، به طوری که در مورد ایران نرخ رشد بخش خدمات از رشد منفی یک درصد، به نرخ مثبت ۴/۷ درصد طی دو دهه افزایش یافته و در مکزیک از ۰/۶ درصد نرخ رشد بخش خدمات در دهه ۱۹۸۰، به ۲/۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ رسیده و در غنا از ۵/۷ درصد، به ۵/۸ درصد طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ رسیده و در تونس از ۳/۵ درصد در دهه ۱۹۸۰، به ۵/۳ درصد در دهه ۱۹۹۰ رسیده است و تنها در کشور ترکیه نرخ رشد بخش خدمات طی دو دهه روند کاهشی داشته، یعنی از ۴/۴ درصد در دهه ۱۹۸۰، به ۳/۹ درصد در دهه ۱۹۹۰ رسیده است (جدول شماره دو).

بدین ترتیب، اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی موجب رشد بخش خدمات در کشورهای مورد نظر شده است.

تغییر در بدهی‌های خارجی

۱- کل بدهی‌های خارجی: روند بدهی‌های

در سال‌های اخیر دولت کمتر تعهد بدهی‌های خارجی را پذیرفته و بدهی‌های خارجی بخش خصوصی که توسط دولت تضمین نشده است، بالا رفته است (جدول شماره سه).

کل بدهی‌های دولتی کشور ترکیه در سال ۱۹۸۰، معادل ۱۵ میلیارد دلار بوده که در سال ۱۹۹۹ به ۵۰/۱ میلیارد دلار رسیده است. در کشور تونس میزان بدهی دولتی در سال ۱۹۸۰، معادل ۳/۲ میلیارد دلار بوده که در سال ۱۹۹۹ به ۹/۵ میلیارد دلار، یعنی سه برابر رسیده است. در کشور ایران، میزان بدهی دولتی در سال ۱۹۸۰، معادل ۴/۵ میلیارد دلار بوده که در سال ۱۹۸۰ کاهش یافته و به ۱/۸ میلیارد دلار رسیده است و در سال ۱۹۹۹ افزایش یافته و به رقم ۶/۲ میلیارد دلار رسیده است. اما کشور غنا با کمترین میزان بدهی میان کشورهای منتخب قرار دارد که در سال ۱۹۹۹ کل بدهی دولتی اش ۵/۶ میلیارد دلار بوده است.

موانع تعرفه‌ای

به منظور بررسی موانع تعرفه‌ای در کشورهای مورد نظر، از سه شاخص میانگین ساده کل تعرفه‌ها، میانگین ساده کالاهای اولیه و میانگین ساده کالاهای ساخته شده استفاده شده است.

۱- میانگین تعرفه کل: میانگین تعرفه کل در کشور مکزیک در سال ۱۹۹۱، معادل ۱۳/۲ درصد بود که در سال ۱۹۹۹ کاهش یافت و به رقم ۱۰/۱ درصد رسید. در مورد کالاهای اولیه نیز میانگین تعرفه از ۱۲/۲ درصد در سال ۱۹۹۱، به ۱۱/۵ درصد در سال ۱۹۹۹ کاهش یافت و میانگین تعرفه کالاهای ساخته شده نیز از ۱۳/۳ درصد در سال ۱۹۹۱، به ۱۰ درصد در سال ۱۹۹۹ رسید (جدول شماره چهار).

متوسط نرخ تعرفه در کشور مکزیک در مورد کالاهای مختلف بسیار متعادل بوده و بین ۱۰ تا ۱۳ درصد نوسان داشته است (جدول شماره چهار).

میانگین تعرفه کل در کشور تونس نسبتاً بالاست و از ۲۸/۴ درصد در سال ۱۹۹۰، به ۳۰/۱ درصد در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است. این نسبت در مورد کالاهای اولیه کمتر بوده و از ۲۵/۱ درصد در سال ۱۹۹۰، به ۲۹/۶ درصد در سال ۱۹۹۸ و در مورد کالاهای ساخته شده از ۲۸/۷ درصد در سال ۱۹۹۰، به ۳۰/۲ درصد در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است. به عبارت دیگر، علیرغم اعمال سیاست‌های آزادسازی تجاری در کشور تونس، متوسط نرخ تعرفه در این کشور افزایش یافته است (جدول شماره چهار).

در ترکیه نرخ تعرفه در سال ۱۹۹۳ بسیار پایین

جدول شماره دو متوسط رشد سالانه بخش‌های مختلف اقتصاد طی دو دوره ۱۹۸۰-۹۹ و ۱۹۹۰-۹۹

کشور	خدمات		کارخانه‌ای		صنعت		کشاورزی		GDP	
	۸۰-۹۰	۹۰-۹۹	۸۰-۹۰	۹۰-۹۹	۸۰-۹۰	۹۰-۹۹	۸۰-۹۰	۹۰-۹۹	۸۰-۹۰	۹۰-۹۹
ایران	۳/۷	-۱/۰	۴/۸	۴/۵	۲/۸	۲/۳	۴/۵	۲/۴	۲/۴	۱/۷
ترکیه	۲/۹	۲/۴	۵/۱	۷/۹	۴/۳	۷/۸	۱/۳	۱/۳	۲/۸	۵/۴
مکزیک	۲/۵	-۱/۶	۴/۰	۱/۵	۳/۵	۱/۱	۱/۶	۱/۶	۲/۷	-۱/۷
غنا	۵/۸	۵/۷	-۲/۵	۲/۹	۲/۲	۲/۳	۲/۴	۱/۰	۴/۳	۲/۳
تونس	۵/۳	۳/۵	۵/۴	۳/۷	۴/۵	۳/۱	۲/۱	۲/۸	۴/۶	۳/۳
چنان	-	-	-	-	۲/۲	-	۱/۷	۲/۷	۲/۵	۳/۲

مأخذ: World Development Indicators / 1999 and 2001 / Pages 187,188

بیش از سه برابر و در مورد غنا به نزدیک پنج برابر رسیده است (جدول شماره سه).

۲- بدهی‌های بلندمدت: کشور مکزیک با بالاترین میزان بدهی‌های بلندمدت در میان کشورهای منتخب مواجه بوده و از ۴۱/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰، به ۸۱/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ و به ۱۳۸/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ رسیده است (بیش از سه برابر در طول بیست سال). کشور ترکیه، دومین کشور بدهکار در میان کشورهای مورد نظر است و پس از آن، کشورهای تونس، ایران و غنا قرار دارند که تونس با ۱۰/۳ میلیارد دلار بدهی در سال ۱۹۹۹ و ایران با ۶/۷ میلیارد دلار و غنا با ۵/۹ میلیارد دلار بدهی مواجه بوده است (جدول شماره سه).

۳- بدهی‌های دولتی: منظور از بدهی‌های دولتی، آن دسته از بدهی‌های خارجی است که بازپرداخت آنها توسط دولت تعهد می‌شود. کل بدهی‌هایی که دولت مکزیک تضمین کرده است، در سال ۱۹۸۰ معادل ۳۳/۹ میلیارد دلار بوده و در سال ۱۹۹۰ به ۷۵/۹ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۹ به ۸۷/۵ میلیارد دلار رسیده است. این ارقام تقریباً نصف بدهی‌های خارجی این کشور است و نشان می‌دهد که

جدول شماره سه

بدهی‌های خارجی طی سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و ۱۹۹۹

(ارقام به میلیارد دلار)

کشور	کل بدهی‌های خارجی			بدهی‌های بلندمدت			بدهی‌های دولتی		
	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۹	۱۹۸۰	۱۹۹۰	۱۹۹۹
ایران	۴/۵	۹	۱۰	۴/۵	۱/۸	۶/۷	۲/۵	۱/۸	۶/۲
ترکیه	۱۶/۱	۲۹/۴	۱۰۶/۸	۱۵/۶	۳۶/۹	۷۷/۴	۱۵/۰	۳۸/۹	۵۰/۸
تونس	۳/۵	۷/۷	۱۱/۹	۳/۴	۶/۹	۱۰/۳	۲/۲	۶/۷	۹/۵
غنا	۱/۴	۳/۹	۶/۹	۱/۲	۲/۸	۵/۹	۱/۲	۲/۷	۵/۶
مکزیک	۵۰/۳	۱۰۴/۲	۱۶۶/۹	۳۱/۲	۸۱/۸	۱۳۸/۴	۳۳/۹	۷۵/۹	۸۷/۵

مأخذ: World Development Indicators / 1999 and 2001 / Page 256

جدول شماره چهار

موانع تعرفه‌های در کشورهای مکزیک، تونس و ترکیه طی سال‌های مختلف *

کشور	مکزیک		تونس		ترکیه	
	سال	۱۹۹۱	۱۹۹۹	۱۹۹۰	۱۹۹۸	۱۹۹۳
میانگین ساده تعرفه کل	۱۳/۲	۱۰/۱	۲۸/۳	۲۸/۳	۳۰/۱	۷/۰
میانگین ساده کالا‌های اولیه	۱۲/۲	۱۱/۵	۳۵/۱	۳۵/۱	۲۷/۶	۶/۰
میانگین ساده کالا‌های ساخته شده	۱۳/۳	۱۰/۰	۲۸/۷	۲۸/۷	۳۰/۲	۷/۲

مأخذ: World Development Indicators / 1999 and 2001 / Pages 337-8

* آمار تعرفه‌های مربوط به کشورهای ایران و غنا در منبع فوق‌الذکر موجود نبود.

شده و صادرات و واردات در این کشورها رشد فزاینده داشته‌اند و اغلب در این کشورها استراتژی تشویق صادرات، جایگزین استراتژی جانشینی واردات شده است (جدول شماره پنج).

بدهی‌های خارجی در کشورهای منتخب بر اثر اجرای سیاست‌های آزادسازی روند افزایش داشته و این امر بیانگر استفاده از منابع خارجی به جای منابع داخلی در امر سرمایه‌گذاری‌های داخلی است.

موانع تعرفه‌های در اثر اجرای سیاست‌های آزادسازی تجاری فقط در کشور مکزیک کاهش یافته، ولی در کشورهای تونس و ترکیه این روند افزایشی بوده و در مورد ایران و غنا در منابع آمارهای جهانی ارقام نرخ‌های تعرفه وجود ندارد (جدول شماره پنج).

استثنای کشور ایران که کاهش یافته است (جدول شماره پنج).
در مورد کل تجارت می‌توان گفت که آزادسازی تجاری در همه کشورها موجب افزایش حجم تجارت

بوده، به طوری که در مورد کالا‌های اولیه ۶ درصد و در مورد کالا‌های ساخته شده ۷/۲ درصد بوده است. اما در سال ۱۹۹۷ نرخ تعرفه کالا‌های اولیه به شدت افزایش یافته و به ۲۳/۲ درصد رسیده و متوسط کل تعرفه‌ها نیز حدود ۸/۲ درصد بوده که نسبت به سال ۱۹۹۳ افزایش داشته است (۷ درصد در سال ۱۹۹۳). اما نرخ تعرفه در مورد کالا‌های ساخته شده کاهش یافته و به ۵/۹ درصد رسیده است (جدول شماره چهار).

جدول شماره پنج

وضعیت متغیرهای اقتصادی کشورهای منتخب در نتیجه اعمال سیاست‌های آزادسازی اقتصادی

ردیف	نرخ رشد	ایران	مکزیک	تونس	ترکیه	غنا
۱	تولید ناخالص داخلی	افزایش	افزایش	افزایش	کاهش	افزایش
۲	تولید کشاورزی	کاهش	افزایش	کاهش	افزایش	افزایش
۳	تولید صنعتی	کاهش	افزایش	افزایش	کاهش	کاهش
۴	خدمات	افزایش	افزایش	افزایش	کاهش	افزایش
۵	مصرف خصوصی	افزایش	کاهش	افزایش	کاهش	کاهش
۶	مصرف دولتی	افزایش	کاهش	افزایش	افزایش	افزایش
۷	پس‌انداز و سرمایه‌گذاری	کاهش	افزایش	افزایش	ثابت	افزایش
۸	کل تجارت	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش
۹	بدهی‌های خارجی	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش	افزایش
۱۰	موانع تعرفه‌ای	*	کاهش	افزایش	افزایش	*

* آمار در دسترس نیست.

خلاصه و نتیجه‌گیری

به طور کلی، نتایج اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای ایران، ترکیه، تونس، مکزیک و غنا را در جدول شماره پنج خلاصه می‌کنیم. به این منظور، متوسط نرخ رشد تولید ناخالص ملی و نرخ رشد بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات طی دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در نظر گرفته می‌شوند و مقایسه بین این دو دوره را به صورت افزایش یا کاهش نشان می‌دهیم. نتایج فوق نشان می‌دهد که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در همه کشورها - به استثنای ترکیه - روند افزایشی داشته است.

اما رشد تولید بخش کشاورزی و صنعتی در کشور ایران کاهش یافته است. در کشور تونس رشد بخش کشاورزی و در کشور غنا رشد بخش صنعتی کاهش یافته و رشد بخش خدمات در همه کشورها - به استثنای ترکیه - افزایش داشته است (جدول شماره پنج).

در مورد مصرف بخش خصوصی، چنانچه این متغیر را به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری رفاه مصرف‌کنندگان حاصل از آزادسازی اقتصادی در نظر بگیریم، باید گفت که رفاه مصرف‌کنندگان در کشورهای ایران و تونس بالا رفته است، ولی در کشورهای ترکیه، مکزیک و غنا مصرف خصوصی کاهش یافته است.

اما نکته مهمتر رشد پس‌انداز و سرمایه‌گذاری است که در همه کشورها روند افزایشی داشته، به

سرمایه‌گذاران داخلی به منظور حفظ ارزش منابع خود، سرمایه‌های خویش را در جهتی سرمایه‌گذاری می‌کنند که زودتر به اصل و فرع سرمایه خود دست یابند.

همچنین، با توجه تجربیات دمه اخیر کشور، این افزایش قیمت‌ها موجب می‌شود که منابع بخش خصوصی - حتی بخش عمومی - به سمت واسطه‌گری و بساز و بفروشی و به خصوص برج‌سازی و سفته‌بازی در بازار بورس و از همه مهمتر، رونق بیشتر بازارهای مالی غیررسمی سوق داده شود.

با این توضیحات، به نظر می‌رسد که این رویدادها خود موجب دخالت بیشتر دولت و در نتیجه، بزرگتر شدن بدنه دولت می‌شوند که این امر نیز برخلاف مصوبات قانون برنامه سوم خواهد بود. ■

بقیه از صفحه ۴۷
نشان می‌دهد که این رقم به بیش از ۲۰ درصد خواهد رسید.
به هر حال، به نظر می‌رسد که با توجه به رشد ۴۸/۷ درصدی بودجه عمومی دولت و رشد بودجه کل کشور معادل ۴۵/۵ درصد و نرخ ارز ۷۷۰۰ ریال و هم چنین چاپ اسکناس‌های جدید ۲۰۰۰۰ ریالی، به طور قطع در سال ۸۱ شاهد افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، به خصوص برای کالا‌های ضروری خواهیم بود. طبیعتاً خود این افزایش قیمت‌ها هم موجب رکود بیشتر در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور و شکاف بیشتر بین اغتیا و فقرا خواهد بود. اثر منفی دیگر افزایش عمومی قیمت‌ها هم این است که